

کشف آدم‌های ساده

و معمولی

سعيدة اسداللهی

منتقد ادبی



دنایای امروز ما نسبت به گذشته کمی فروتن شده و شاید بتوان گفت که کمتر به خود مطمئن است، از این رو که قدرت مطلق خود را کنار گذاشته اما بلندپروازتر است زیرا به ماورای فرد نظر می‌کند. کیش پرستش «انسان» جای خود را به معرفتی بس وسیع‌تر داده که انسان محوری در آن کمتر دیده می‌شود. حال شاید این گونه به نظر برسد که داستان در چنین وضعیتی متزلزل می‌شود؛ چراکه بهترین پشتیبان خود را، که قهرمان باشد، از دست داده است. در داستان‌های کلاسیک وجود خصوصیتی خاص و گاهی سیمایی خاص در شخصیت، از آن جهت که بیش از هر چیز نوعی سلاح در جنگ تن به تن بوده است، مایه امید به موفقیت و اعمال سلطه به حساب می‌آمده حال آن که در داستان‌های مدرن این امر به ضرورت، از قاعده تخلف می‌کند. قاعده‌ای که شخصیت باید در آن واحد هم تک باشد و هم بر صدر یک دسته انسان بنشیند. داستان مدرن از این دوران که فرد در اوج بود با سرعتی غیر قابل انکار در حال گذر است.



مجموعه داستان «تله‌های زیر برف» داستان آدم‌هایی است که در مواجهه با مرگ، ترس و تنهایی درونیات ذهنی‌شان را برای مخاطب آشکار می‌کنند. آدم‌هایی ساده و معمولی که در خلال موقعیت‌های متفاوت و متنوعی که در بستر داستان برای‌شان فراهم شده، کشف می‌شوند. ایده اصلی داستان‌های این مجموعه مرگ است که با زبان و نثری تمیز، به دور از پیچیدگی‌های فرمی، از شروع تا بدنه داستان با تنش‌هایی پلکانی تا انتها ادامه می‌یابد. امیر عربلو، نویسنده هوشمندی است که در داستان به دنبال معناست و از این رو جهانی را خلق می‌کند که در آن بتوان به بررسی مفاهیم عمیق انسانی رسید. نکته قابل تامل دیگری که در این مجموعه توجه مخاطب را جلب می‌کند این است که نویسنده خود را محدود به مکان و زمانی خاص نمی‌کند. به عنوان مثال در داستان تله‌های زیر برف روایت در لهستان بعد از جنگ جهانی دوم پیش می‌رود، گویی نگاه نویسنده معطوف به موضوعاتی است که در یک جغرافیای خاص منجمد نمی‌شود و بی‌مرز، دغدغه انسان امروز است. بسیاری از شخصیت‌های این مجموعه نماینده جامعه‌ای هستند که ما هر روز به گونه‌ای با آنها برخورد داریم. همین قدر نزدیک و ملموس. این مجموعه شامل ۱۰ داستان کوتاه است که به همت نشر قصه باران منتشر شده است.

در رونمایی از «هر چی دیدی، هیچی مگو» مطرح شد

آیتا... بلادی
با نوشتن این اثر داستان‌های خطر کرد

تا این که در جایی درویش راز این هیچ‌مگویی را به او می‌گوید. غلامی در خصوص اهمیت محتوایی این داستان بیان کرد؛ یکی از فرازهای منحصربه‌فرد این اثر به نگاه انتقادی برمی‌گردد که وی به رضاشاه و حکومت وی دارد، آن هم در زمانی که در متن ماجراست. او در این اثر جسرانده مشکلات حکومت پهلوی را برمی‌شمارد و راهکارهای اصلاح آن را هم می‌دهد. این استاد دانشگاه تأکید کرد: من پیش از این در کنگره علامه بلادی بیشتر با شخصیت روحانی وی آشنا شده بودم ولی با خواندن این اثر و چند اثر روایتی وی متوجه شدم که شخصیت آیتا... بلادی بدون آثار ادبی‌اش کامل شناسانده نمی‌شود. بنابراین لازم است که این کتاب و دیگر آثار ادبی وی نیز به نحو مطلوبی بازنشانی شود. از دید من، این اثر آیتا... بلادی یک اثر فاخر و صدایی است که شنیده نشده است. بنا به گفته باستانی پاریزی، ما نمی‌توانیم به تاریخ ملی برسیم، مگر این که تاریخ بومی خود را بنویسیم. از این رو لازم است که تاریخ بومی و زوایای کمتر شناخته شده شخصیت‌های تأثیرگذار و تاریخ ساز خود را شناسایی کنیم و از آنها بنویسیم.

آیتا... بلادی، بنیانگذار داستان‌نویسی در بوشهر

سیدقاسم یاحسینی که داستان «هر چی دیدی، هیچی مگو» نوشته آیتا... بلادی را تصحیح و به همت انتشارات «هلیله» با مدیریت مهدی انصاری راهی بازار کتاب کرده، در بخش بعدی آیین رونمایی از این کتاب گفت: این رمان داستان جالبی را روایت می‌کند که به نوعی محصول انقلاب مشروطه است. وقتی به چشمه‌های رمان نگاه کردم متوجه شدم که این اثر از سه کتاب تأثیر گرفته است که عبارتند از: «۷۲ ملت» نوشته میرزا محمدخان بهادر، «سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ» و «حاجی بابا».

این مورخ اجتماعی ادامه داد: با بررسی‌ای که با صاحب‌نظران حوزه داستان انجام دادیم، متوجه شدیم که بوشهر در دوره پهلوی اول، نویسنده و داستان‌نویس شناخته شده ندارد؛ تنها محمدحسین رکن‌زاده آدمیت را دارد که در سال ۱۳۱۰ سلسله‌مقالات خود را چاپ کرده و دومین اثر خود را که کاری دو جلدی بود در سال‌های ۱۳۱۲ و ۱۳۱۴ به نام «فارس در جنگ بین‌المللی» منتشر کرده است که البته هر دو این آثار داستان نیستند. این در حالی است که آیتا... بلادی در سال ۱۳۰۸ رمان «هر چی دیدی، هیچی مگو» را منتشر کرده ولی کسی از آن خبر ندارد و این‌گونه شد که به اتفاق حسن میرعابدینی و چند صاحب‌نظر دیگر به این نتیجه رسیدیم که آیتا... بلادی پیش‌تاز و بنیانگذار داستان‌نویسی در بوشهر در دوره پهلوی اول است. رمان «هر چی دیدی، هیچی مگو» نوشته آیتا... سیدعبدالله... بلادی با تصحیح سیدقاسم یاحسینی به همت انتشارات «هلیله» شامگاه شنبه در آیینی با حضور برخی اساتید دانشگاه و جامعه ادبی بوشهر در مدرسه تاریخی بوشهر رونمایی شد.

مجاهد غلامی شامگاه شنبه در آیین رونمایی از داستان «هر چی دیدی، هیچی مگو» نوشته آیتا... سیدعبدالله... بلادی با تصحیح سیدقاسم یاحسینی گفت: مشروطه اگر هیچ دستاوردی هم برای جامعه آن روز نداشت ولی همین که نظام شبان-رمگی را پس زد، کار بزرگی کرد. تا پیش از انقلاب مشروطه، یک چوپان به عنوان شاه بر رعیت حکومت می‌کرد ولی مشروطه این قاعده را به هم زد. وی ادامه داد: داستان «هر چی دیدی، هیچی مگو» ادعای مهمی است که حکومت رضاشاه را زیر سؤال می‌برد و نقد می‌کند، آن هم در روزگاری که رضاشاه در اوج قدرت بوده است؛ نقد روش و منش رضاشاه در حکمرانی از سوی عالمی منتقد و شیعی صورت گرفت. غلامی سپس با بیان این که این داستان آیتا... بلادی را با ترسیم چند گزاره بررسی کردم که دورنمای جامعی از آن عرضه می‌کند، افزود: گزاره اول این است که فلاسفه متقدم، انسان را حیوان ناطق می‌دانستند و همین سخنگویی و اندیشمندی انسان را سبب تمایز او با حیوان می‌خواندند. در این میان، جاناناتان گاتشال، پژوهشگر آمریکایی انسان را حیوان قصه‌گو نامید و من هم با این نظر او موافقم چون انسان هم قصه‌گوست و هم قصه‌شنو که در جهان داستان زندگی می‌کند و داستان‌ها از هر سمت روزانه او را احاطه کرده‌اند. از این رو، او پیوسته با روایت ساختن و روایت شنیدن دارد زندگی می‌کند و هیچ‌زمانی هم نخواهد آمد که روایت از بین برود؛ چون انسان برای ماندگاری به روایت نیاز دارد. بلادی در «هر چی دیدی، هیچی مگو» روایتش را با کتابه قصه پیش می‌برد. این نویسنده و پژوهشگر ادبی ادامه داد: گزاره دوم این بود که علامه بلادی با نوشتن این اثر داستانی آن هم در زمانی که در متن ماجرا بود و حکومت پهلوی اول و رضاشاه در مسند قدرت بود، خطر کرد؛ همچنین در این دوره از نظر فقها و آیات عظام، نوشتن رمان و شعروگویی از سوی یک روحانی ممنوعیت و معذوریت شرعی داشت و کاری دور از شأن روحانیت دانسته می‌شد. غلامی یادآور شد: گزاره سوم این است که از مقدمه کتاب که وارد داستان شدم، احساس کردم با سیدجمال واعظ اصفهانی (پدر محمدعلی جمال‌زاده؛ بنیانگذار داستان‌نویسی نوین در ایران) مواجه شده‌ام که در مسجد شاه به منبر می‌رود. اینجا متوجه شدم که آیتا... بلادی چقدر به سیدجمال واعظ اصفهانی شبیه است. چه با ساگر دامنه تحقیقات مان را در این زمینه توسعه بدهیم متوجه ارتباطی میان این دو شخصیت شویم.

وی بیان کرد: رئالیسم انتقادی و انعکاس خلقیات ایرانی‌ها در این اثر دیگر گزاره‌هایی است که آیتا... بلادی به خوبی از عهده بازتاب آنها برآمده است. البته در این که این اثر رمان است یا خیر، موضوعی است که علمای فن باید در مورد آن بحث کنند؛ اما حتی اگر این اثر رمان هم نباشد، چیزی از ارزش‌های آن کم نمی‌کند. مدیر گروه زبان و ادبیات دانشگاه خلیج فارس بوشهر تأکید کرد: یکی از شیوه‌های رایج در دوره مشروطه این بوده که نویسندگان با استفاده از تمثیل و قصه، نقدها و حرف‌های خود را بیان کنند. آیتا... بلادی هم در داستان «هر چی دیدی، هیچی مگو» با استفاده از قصه‌گویی اسلامی، نقدش را کرده و حرفش را زده است. غلامی گفت: گزاره پنجم هم این است که در این زمان اثری نوشته شده که همه مشخصه‌های مدرن را داراست و ردپای عناصر داستانی در آن دیده می‌شود. آیتا... بلادی در اثر به اندیشه‌ورزی دست یافته است؛ چرا که شخصیت‌های داستانش در آن به زبان خود سخن می‌گویند.

وی تأکید کرد: گزاره دیگر این است که داستان «هر چی دیدی، هیچی مگو» با تعلیق شروع می‌شود و آن را برای مخاطب جذاب می‌کند. قصه این‌گونه شروع می‌شود که شخصیت داستان با درویشی مواجه می‌شود که به او می‌گوید: «هر چی دیدی، هیچی مگو» که این خواسته باعث ایجاد تعلیق در داستان می‌شود

